

١٠ (الاعتقاد بالرجعة والمهديين (عليهم السلام): ١٠ - اعتقاد به رجعت و مهديين (ع)

كثير اللغظ أخيراً من قبل بعض أنصاف المتعلمين بادعاء أنّ المهديين الوارد ذكرهم في وصية رسول الله ليلة وفاته هم أنفسهم الأئمة الاثنا عشر، هذا قول لبعضهم. وقول آخر يرى أنّ المهديين أوصياء وحجج، ولكن وجودهم ودورهم يكون في الرجعة فقط. وقول ثالث أعيت صاحبه السبل في الجمع بين روايات المهديين والرجعة، فزعم أنّ هناك تعارض بين الطائفتين وقدم روايات الرجعة.

أخيراً يابوه كوي هابي از سوي برخي كم خردان مبني بر اينكه مهديين ياد شده در وصيت شب وفات رسول خدا (ص) همان ائمه دوازده گانه هستند، فزوني يافته است؛ اين گفته برخي از آنهاست؛ و برخي ديگر معتقدند كه مهديين، اوصيا و حجت هاي خدا هستند، اما وجود و نقش آنها فقط در رجعت خواهد بود؛ و گفتار سوم، صاحبش را در راه هاي جمع بين روايات مهديين و رجعت عاجز کرده و پنداشته است كه بين دو گروه از روايات، تعارض وجود دارد و روايات رجعت را بر روايات مهديين مقدم داشته است.

وعن مثل هذه الأقوال، أجاب السيد أحمد الحسن (ع)، فقال:
در مورد چنین گفته هابي سيد احمد الحسن (ع) فرمودند:

[عموماً وفقك الله، هناك روايات كثيرة متواترة تقول إنّ هناك اثني عشر مهدياً من ولد الامام المهدي (ع) وهم خلفاء الله في أرضه، وهناك روايات كثيرة أيضاً قالت بأنّ هناك رجعة، إذن الأمران العقائديان ثابتان بروايات كثيرة ومتواترة، ومنكر أحدهما إما جاهل لم يسعفه عقله وما عنده من علم أن يجمع ويوفق بين الروايات بصورة صحيحة مقبولة، أو أنه معاند مكابر يريد أن يغطي الشمس بغربال، وإلا فما معنى إنكار حقيقة وردت في روايات كثيرة ورواها علماء الشيعة جيلاً عن جيل؟!]

«در هر حال - خداوند توفیقت دهد- روایات متواتر بسیاری هست که بیان می‌دارند دوازده مهدی از فرزندان امام مهدی (ع) وجود دارند و آنان خلفا و جانشینان خداوند بر زمینش هستند؛ و روایات بسیاری نیز بیان می‌دارند رجعت وجود دارد؛ پس این دو امر عقایدی ثابت شده بر اساس روایات بسیار و متواتر می‌باشند؛ و منکر یکی از آن‌ها یا جاهلی است که عقلش او را در ادراک یاری نمی‌رساند و علمی ندارد تا بین این روایت، به صورت صحیح قابل قبول، جمع و سازش ایجاد نماید، یا او متکبر و معاندی است که می‌خواهد خورشید را با غربال بیوشاند؛ و گرنه انکار حقیقتی که در روایات بسیاری آمده است و علمای شیعه نسل به نسل آن را نقل نموده اند، چه معنایی خواهد داشت؟»

أما من يقول بجهالة: إن المهديين يكونون في الرجعة فقط، فهو جاهل ويتخبط؛ لأن الرجعة تكون لمن عاشوا في هذا العالم الجسماني قبلها، وبما أن الرجعة لمن محضوا الايمان محضاً فالمهديون إذن ممن محضوا الايمان محضاً في هذا العالم الجسماني قبل رجعتهم.

اما کسی که از سر جهل و نادانی می‌گوید: مهدیین فقط در رجعت هستند، چنین شخصی بی‌تردید جاهل است و در آشفتگی به سر می‌برد؛ چرا که رجعت برای کسانی است که پیش از آن در این عالم جسمانی زندگی کرده‌اند و از آنجا که رجعت برای کسانی است که ایمان محض داشته‌اند، پس مهدیین از جمله کسانی هستند که در این عالم جسمانی پیش از بازگشتشان، ایمان محض داشته‌اند.

إذن، من قال إنهم يكونون بالرجعة، فقد أثبت أن لهم دوراً مهماً جداً في هذا العالم الجسماني، وبهذا عاد الأمر عليه فهو لما أثبت رجعتهم حججاً لله على خلقه أثبت دورهم في العالم الجسماني وأنهم حجج الله فيه أيضاً، فأين كان دورهم كحجج لله في العالم الجسماني أليس بعد الأئمة الاثني عشر؟!

بنابراین کسی که از وجود ایشان در عالم رجعت سخن می‌گوید، ثابت می‌کند که آن‌ها نقشی مهم و اساسی در این عالم جسمانی دارند و به این ترتیب (وضعیت) علیه او خواهد بود؛ بنابراین وقتی این شخص رجعت آن‌ها را به عنوان حجت‌های الهی بر خلق اثبات می‌کند، نقش آن‌ها در این عالم جسمانی و اینکه آن‌ها در این عالم نیز حجت‌های الهی هستند را ثابت کرده است؛ حال نقش آن‌ها به عنوان حجت‌های الهی در عالم جسمانی کجاست؟ آیا پس از ائمه دوازده‌گانه نخواهد بود؟!

أما من تمادى في البلاءة وقال: إنّ المهديين هم أنفسهم الأئمة فهذا أظن لا يستحق الرد، فالروايات واضحة بأنّ المهديين من ولد القائم ومن ولد الحسين ومن ولد علي وفاطمة فكيف يكونون هم أنفسهم الأئمة والروايات نصت على أنهم من ذرية الحسين (ع)، فهل الحسن أو علي من ذرية الحسين؟! وكيف يكونون هم الأئمة والروايات نصت أنهم من ذرية الامام المهدي (ع)، فهل علي والحسن والحسين والأئمة من ولد الامام المهدي؟!

اما کسی که در وادی بلاهت و بی‌خردی سرگردان است و می‌گوید: مهدیین همان ائمه هستند! به نظرم این سخن ارزش پاسخ‌گویی هم ندارد؛ روایات، بسیار واضح‌اند؛ اینکه مهدیین از فرزندان قائم و از فرزندان حسین و از فرزندان علی و فاطمه (ع) هستند. چگونه می‌توانند همان ائمه (ع) باشند، درحالی‌که روایات بیان می‌دارند آن‌ها از نسل حسین (ع) هستند! آیا حسن یا علی (ع) از ذریه حسین (ع) هستند؟! چگونه آن‌ها خود ائمه هستند، درحالی‌که روایات می‌گویند آن‌ها از نسل امام مهدی (ع) هستند. آیا علی، حسن، حسین و ائمه (ع) از فرزندان امام مهدی (ع) هستند؟!

الحقیقة، إنّ هذه المقالات تُعبّر عن بلاهة قائلها.

در حقیقت، این گفته‌ها بازگوکنندهٔ بلاهت و بی‌خردی گوینده‌شان است.

هذا إضافة إلى أنّ الروايات ذكرت المهديين بوضوح وبيّنت زمانهم وأنه بعد الأئمة ولم تقل إنهم في الرجعة، ولا توجد رواية واحدة تقول إنهم في الرجعة فقط، فمن أين جاءوا بهذه التخرصات البلهاء التي تجعل من يسمع أقوالهم يدرك أنهم قوم قد سلبهم الله عقولهم ويحمد الله على نعمة العقل التي حباه الله بها].

این علاوه بر آن است که روایات، مهدیین را به روشنی بیان کرده و زمان آن‌ها را بیان داشته‌اند و اینکه آن‌ها پس از ائمه (ع) هستند و هرگز نگفته‌اند که آن‌ها در رجعت می‌باشند؛ و حتی یک روایت هم پیدا نمی‌شود که بیان دارد آن‌ها فقط در رجعت خواهند بود؛ پس آن‌ها این سخنان بیهوده و نابخردانه را از کجا آورده‌اند؟! یاوه‌گوهایی که هر کس کلام آنان را می‌شنود، درمی‌یابد آن‌ها مردمانی هستند که خداوند عقل‌هایشان را از آن‌ها گرفته است، درحالی که خدا را برای نعمت عقلی که به او ارزانی داشته است، سپاس می‌گویند!«.

ويقول أيضاً: [.. واعلم أيضاً: أنّ المهديين هم علامات الساعة وميقاتها، فيآخروهم يختم هذا العالم الجسماني، ويبدأ عالم الرجعة ثم القيامة: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) البقرة: ١٨٩...] 1.

و نیز می‌فرماید:

...همچنین بدان که مهدیین از نشانه‌های قیامت (ساعت) و وعده‌گاه‌های آن (مواقیت) هستند و با آخرینشان، این عالم جسمانی خاتمه می‌یابد و عالم رجعت و سپس قیامت آغاز می‌گردد: (از تو دربارهٔ هلال‌ها می‌پرسند، بگو: آن‌ها میقات‌ها و وعده‌گاه‌هایی برای مردم و حج‌اند؛ و نیکو آن نیست که از پشت خانه‌ها به آن‌ها

داخل شوید، بلکه نیکو این است که پرهیزگار باشید و از درها به خانه‌ها درآیید و از
خدا بترسید، باشد که رستگار شوید)؛^{2,3}

² بقره: ۱۸۹.

³ متشابهات: ج ۴، پرسش ۱۸۰.